



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol.3, No.2, Autumn 2024



Rational analysis of individual and social functions of religiosity based on Quranic and hadith teachings

Sohrab Morovati¹, Mahdi Akbarnejad², Kobra Setaysh*³

¹⁻² Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam University, Ilam, Iran

³ Master of Theology graduate, Ilam University, Ilam, Iran

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
23/09/2024

Accepted:
13/10/2024

Religion is a great divine gift that is given to humans by God's chosen ones, and since then, since there is an influence and depth in it, human life has acquired a religious color. But since religiosity is connected with the truth of human existence and his life, this research has examined the truth of religion and religiosity based on a new theory, and analyzed the components of religiosity. Finally, due to the fact that functions of important topics related to this category with intra-religious religion have been explained to explain the valuable functions of religiosity for the individual lives of religious people.

Keywords: religion, religiosity, areas of religiosity, individual functions

***Corresponding Author: Kobra Setaysh**

Address: Master of Theology graduate, Ilam University, Ilam, Iran

E-mail: ksetayesh1403@gmail.com



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی

کاوش های عقلی



تحلیل عقلانی کارکردهای فردی و اجتماعی دینداری مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و

حدیثی

سهراب مروتی^۱، مهدی اکبرنژاد^۲، کبری ستایش^۳*

^{۱-۲} استادی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	دین ارمغان بزرگ الهی است که به دست برگزیدگان خداوند به آدمیان ارزانی شده و از آن پس، از چنان حضور گسترده و عمیقی برخوردار بوده که حیات انسانی رنگ و بوی دینی یافته است. در بحث دین و دینداری مقوله های فراوانی مطرح است. اما از آن جا که دینداری با حقیقت وجود انسان و زندگی وی پیوند دارد این پژوهش بر اساس رویکردی نو حقیقت دین و دینداری را مورد بررسی قرار داده، ابعاد و مؤلفه های دینداری را تحلیل نموده است. در نهایت با توجه به این که کارکردهای دینداری از مباحث مهم در رابطه با این مقوله هستند با رویکرد عقلانی و درون دینی به تبیین کارکردهای ارزشمند دینداری بر زندگی فردی دینداران پرداخته شده است.
دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲	
پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴	
	کلیدواژه: دین، دینداری، عرصه های دینداری، کارکردهای فردی

*-نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: ksetayesh1403@gmail.com

۱- مقدمه

دین مجموعه ای از آموزه ها و دستورهایی است که خداوند از راه پیامبران برای هدایت بشر فرستاده است. دینداری نیز عبارت است از؛ پایبندی و اعتقاد فرد به دین پذیرفته خویش. دین به عنوان یک واقعیت، موضوع تحقیق های گوناگون در هر یک از رشته های علوم مختلف می باشد. تلاش های علمی متکلمان، فیلسوفان، روانشناسان و ... در باره دین و قلمرو آن بیانگر این ادعاست. دین داری دارای دامنه وسیعی است که از جمله واژه های ایمان، مؤمن و... در این مدخل جا می گیرد. از آنجا که دینداری با ابعاد گوناگون زندگی انسان مرتبط است تأثیرات و کارکردهای آن نیز بسیار عمیق و گسترده است؛ با کمک این کارکردها می توان بحران های روحی، فکری، اجتماعی و ... بشر امروزی را حل کرد. بسیاری از انسان هایی که تمام ابعاد و جوانب دین را در زندگی خود اعمال کرده اند به مقام والای انسانی، و هدف والای زندگی نائل شده اند. قرآن کریم در آیه شریفه، « وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ... و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم...» (اعراف: ۹۶) تصریح کرده است که؛ فایده ایمان و پیروی از پیامبران، تکامل فطرت بشری از لحاظ روحی و جسمی، و غایت ایمان سعادت دو سرای دنیا و آخرت است. قاعده مقرر در قرآن این است که ایمان صحیح و دین حق سبب سعادت دنیا و اعطای نعمت های آن که به حق و استحقاق داده می شود، می گردد و آنچه به مؤمنان داده می شود، نعمت و برکت است که تأثیر آن بر مؤمنان شکر و رضایت از خداوند متعال، و جزای شکر و رضایتشان از طرف خداوند، زیادی نعمت در دنیا و پاداش نیکو در آخرت می باشد. [عبده، ۱۳۴۲، ج ۹، صص ۲۴-۲۵] امام علی (ع) در روایتی به بیان اهمیت دینداری می پردازد؛ ایشان می فرماید: « من رزق الدین فقد رزق خیرالدین و الاخرة. هرکس روزی داده شده دینداری، پس به تحقیق که به او خیر دنیا و آخرت روزی داده شده است» [آمدی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۳۱۲] امام صادق (ع) نیز می فرماید: « مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَ مَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ. هر که عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می رود» [کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱] علامه طباطبایی نیز در اهمیت دین و متدین بودن به آن می فرماید: «دین توحید، قائم به امر بشری و حافظ مصالح حیاتشان است و مردم در دعوت اسلامی مأمور نشده اند مگر به احکام و قضایایی که مصالح جامعه انسانی را تأمین می کند.

پس بر مردم واجب است که به این دعوت ایمان آورده و به این دین متدین شوند» [طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۷۶] البته مقدار تأثیر دین در بشر به میزان اخلاص آنان به توحید و التزام عملی به احکام و دستورهای دینی بستگی دارد. بنابراین، بیشترین تأثیرگذاری دینداری به افرادی اختصاص دارد که دین را با تمام ابعادش در حوزه فردی و اجتماعی اجرا کنند. بر این اساس در اینجا با تکیه بر منابع اسلامی به این مسأله اصلی پرداخته شده است که دینداری چیست و چه کارکردهایی در زندگی فردی انسان دارد؟

دینداری

دین؛ در لغت به معنای اطاعت، تسلیم و انقیاد است [ابن فارس، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۱۹]. صاحب مجمع البحرین در تعریف دین می‌نویسد: «دین، همان قواعد و مقررات خداوندی برای صاحبان خرد (بشر) است که شامل اصول و فروع می‌باشد. و در ادامه دین را به اطاعت، جزا و ... نیز معنا می‌کند» [طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۵۱]. دین در اصطلاح عبارت است از «عقاید و سلسله دستورهای عملی و اخلاقی که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده اند» [طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۶]. در قرآن کریم نیز واژه دین بیش از نود بار به معانی زیر به کار رفته است: جزا و حساب (فاتحه: ۴)، اطاعت و بندگی (زمر: ۱۱)، ملک و سلطنت (بقره: ۹۳)، شریعت و قانون (کافرون: ۶)، ملت (انعام: ۱۶۱)، تسلیم (آل عمران: ۱۹)، اعتقادات (بقره: ۲۵۶)، حکم و فرمان (نور: ۲).

متکلمین اسلامی دین را اینگونه تعریف کرده اند: مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد. گاهی همه این مجموعه حق و گاهی همه آن باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است. [جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۹۳]. استاد مطهری از دین به مکتب تعبیر نموده و آن را طرحی جامع و منسجم می‌داند که هدف اساسی آن، کمال و تأمین سعادت بشری می‌باشد. و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، مسئولیت‌ها و تکالیف مشخص شده باشد. [ر.ک مطهری، ۱۳۸۱، ص ۵۵] اندیشمندان غربی ابعاد مختلفی از دین را لحاظ کرده و بر اساس این ابعاد به تعریف دینداری پرداخته اند؛ جنبه اخلاقی در دو تعریف مشهور تاریخی که امانوئل کانت و مارتینو آرنولد از دین به عمل آورده اند مورد تأکید قرار گرفته است: «دین عبارت است از تشخیص همه وظایف به عنوان دستورات الهی»، «دین عبارت است از اخلاقی که در تماس با احساس قرار گرفته

است». و نیز تأکید بر نفع شخصی دین توسط آلبرت رویه، یکی از اولین مورخان ادیان در عصر جدید، به عمل آمده است: «دین، بیش از هر چیز مبتنی بر نیاز بشر در پی بردن به یک ترکیب هماهنگ بین سرنوشت خود او و عوامل مؤثر مخالفی است که او در جهان با آن‌ها روبرو می‌شود» [فیروززی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۲].

از آنچه گذشت به دست می‌آید؛ دین مجموعه‌ای از حقایق هماهنگ و متناسب است که به صورت گزاره‌های حقیقی هست‌ها و نیست‌ها، باید‌ها و نباید‌ها، توسط ذات اقدس خداوند در متون دینی ظاهر گشته است و از ابعاد مختلف انسانی اعم از فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دینی و اخروی حکایت می‌کند.

دینداری؛ دینداری یا التزام دینی یکی از مفاهیمی است که پژوهشگران علوم اجتماعی که حوزه علاقه‌شان مطالعه تجربی دین است به آن توجه بسیار کرده‌اند. در طول دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ هیچ موضوعی در مطالعات تجربی دین به اندازه تعیین مشخصات مفهومی دین مورد توجه قرار نگرفته است. «حوزه‌هایی که می‌توان آن‌ها را به مثابه دینداری در نظر گرفت عبارتند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی. [گلارک و استارک، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴]. در ابعاد مطرح شده دینداری بعد اعتقادی و مناسکی از اهمیت بیشتری برخورداراند و جایگاه ویژه‌ای در متدین بودن اشخاص دارند.

طبق مفهوم شایع واژه دین، معنای دینداری در واقع طاعت، انقیاد و پایبندی فرد به همان قواعد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی می‌باشد که خدا در اختیار بشر قرار داده است [اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۰]. درقرآن کریم مفهوم دینداری را می‌توان در آیه ۵ سوره بینه از واژه دین دریافت کرد: «و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوة و يؤتوا الزكوة و ذلك دين القيمة. به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را بپرستید در حالیکه دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید باز گردند، نماز را بر پا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار» زیرا در آیه ضمن توجه مردم به مأموریت اصلی آنان و انتظاری که از آن‌ها می‌رود، از بندگی و دینداری مخلصانه و مؤلفه‌های اصلی آن مانند اقامه نماز و پرداخت زکات به عنوان دین قیم یاد می‌شود.

در روایات معصومین (ع) نیز امام علی (ع) درباره پایه و زیر بنای دین می‌فرمایند: «أول الدین معرفته، و کمال معرفته التّصديق به، و کمال التّصديق به توحیده، و کمال توحیده الإخلاص له، و

کمال الإخلاص له نفي الصفات عنه، لشهادة كل صفة أنها غير الموصوف، و شهادة كل موصوف أنه غير الصفة، فمن وصف الله سبحانه فقد قرنه، و من قرنه فقد ثناه، و من ثناه فقد جزأه، و من جزأه فقد جهله، [و من جهله فقد أشار إليه]، و من أشار إليه فقد حدّه، و من حدّه فقد عدّه، و من قال «فيم» فقد ضمّنه، و من قال «علام» فقد أخلّى منه. كائن لا عن حدث، موجود لا عن عدم. مع كل شيء لا بمقارنه، و غير كل شيء لا بمزايلة. فاعل لا بمعنى الحركات و الآلة، بصير إذ لا منظور إليه من خلقه، متوحد إذ لا سكن يستأنس به و لا يستوحش لفقده. [نهج البلاغه، خطبه ۱، ۲۸]. یکتا پرستی (پایه‌های شناخت) نخستین شالوده و پایه دین معرفت او است، و کمال معرفتش تصدیق به او است (یا کامل شدن معرفت نتیجه تصدیق به او است) و کمال تصدیق به او، شهادت بر بیگانگی و توحید او است، و کمال توحیدش اخلاص (در نیت و عمل) است برای او و کمال اخلاص نفی کردن صفات است از او، چه هر صفت خود گواه است که غیر از موصوف است و موصوف خود گواه است که غیر از صفت است. بنا بر این، هر کس خداوند را به صفتی متصف کند او را با چیزی مقارن کرده است، و چون چیزی را قرین او گرداند، او را دو حقیقت دانسته، و چون او را دو حقیقت دانست قابل تجزیه‌اش گردانیده، چون قابل تجزیه‌اش به شمار آورد، به حقیقتش جاهل شده، [چون به حقیقتش جاهل شد، به او اشاره کرده] و چون اشاره کرد البته او را محدود کرده است، و چون محدودش کرد یقیناً او را شماره کرده است. و کسی که گوید «در چیست» او را در ضمن چیزی قرار داده، و کسی که گوید «بر چیست» محلی را از او تهی فرض کرده است. بودیست که از حادثی پدید نیامده، موجودیست که از عدم به وجود روی نیآورده». پس دینداری عبارت است از: اعتقاد قلبی، اظهار به زبان و انجام مناسک و شعائر دینی. همچنین این مفهوم (مفهوم دینداری) شامل شناخت و پذیرش قلبی نسبت به توحید، عدل، نبوت، امامت، آخرت و انقیاد نسبت به احکام الهی است.

عرصه های دینداری

دینداری دارای عرصه های متعددی است؛

- ۱- بعد اعتقادی یا باورهای دینی؛ عبارت است از باورهایی که انتظار می رود پیروان آن دین بدانها اعتقاد داشته باشند. خدا، معاد، نبوت و

- ۲- بعد مناسکی دین یا اعمال دینی؛ شامل اعمال دینی شخص مانند شرکت در نماز، آیین های خاص، روزه، خواندن قرآن، شرکت در مراسم جشن و عزا.
- ۳- بعد تجربی یا عواطف دینی؛ ناظر به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدایا اقتداری متعالی است. مسائلی مانند ترس از خدا، توبه، تقرب به خدا و ...
- ۴- بعد فکری یا دانشی دین؛ مشتمل بر اطلاعات و دانسته های مبنایی در مورد معتقدات دین است که پیروان آن دین باید آن ها را بدانند: تحقیق نه تقلید.
- ۵- بعد پیامدی دین یا آثار دینی؛ ناظر به اثرات باورها و اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان دین است، رفتارهایی که یک پیرو دین باید آن ها را در زندگی روزمره رعایت کند، مانند حجاب، نخوردن گوشت حرام، الکل و...

کارکردهای دینداری در زندگی فردی

قدرت شگرف دینداری در حوزه زندگی فردی بر کسی پوشیده نیست. انسان برای وصول به کمالات نهایی خویش به برنامه ای نیازمند است که نمای زندگی انسان را پس از مرگ تبیین کند و راه درست زیستن را در این جهان به او بنمایاند و دینداری همان برنامه ای است که با تأثیراتی که بر زندگی فردی انسان دارد به او کمک کند تا بهترین گزینش را بیابد. در ادامه آثار دینداری در زندگی فردی ارائه می گردد؛ معنا بخشی به زندگی، آرامش روان، سلامت جسم، پرورش فضایل اخلاقی، صبور بودن در مقابل مشکلات، احساس تنهایی نکردن، شجاعت در برخورد با دیگران.

۱- معنا بخشی به زندگی

هر فرد دیندار به راهنمایی دین به این حقیقت پی برده که زندگی وی محدود به زندگی چند روزه این جهان گذران نیست بلکه حیاتی نامحدود و بی پایان دارد که با مرگ از بین نمی رود. این دریافت فرد دیندار، به وی کمک می کند تا به زندگی خود معنا ببخشد. «زندگی معنا دار به زندگی گفته می شود که سلوک آن براساس اهداف و آرمان ها باشد [عسکری سلیمانی امیری، ۱۳۸۲، ص ۲]. زندگی که در آن هدف زندگی معلوم شده و کل زندگی یا بخش متناهی از آن در راستای هدف قرار گیرد» [عسکری

سلیمانی امیری، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳]. بر این اساس در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که بر هدفمندی آفرینش و به تبع آن بر معناداری زندگی دلالت دارند. برای نمونه قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ. آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!» (ص: ۱۱۵) همچنین در خلال سخنان خداوند در قرآن، در آیاتی دیگر، مورد رحمت قرار گرفتن انسان‌ها از اهداف آفرینش بیان شده است؛ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ ... أَجْمَعِينَ» (هود: ۱۱۸ و ۱۱۹) طبرسی نیز در بیان این مطلب می‌نویسد: «وَلَذَلِكَ خَلَقَهُمْ»: در معنای این جمله اختلاف شده، ابن عباس و مجاهد و ضحاک و قتاده گفته‌اند: یعنی برای رحمت ایشان را آفرید، و نزد ما نیز همین معنا صحیح است» [طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۱۴۹]. در برخی آیات قرآن کریم منظور از (رحمت) بهشت خداوند می‌باشد: (آل عمران: ۱۰۷، توبه: ۹۹، انسان: ۷۶) همینطور در قرآن آیه‌ای ذکر شده که می‌توان آن را بیانگر رابطه معنای زندگی و هدف آن بر شمرد. قرآن می‌فرماید: «صِبْغَةَ اللَّهِ، وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۳۸) «کلمه (صبغة) نوعیت را افاده می‌کند، یعنی ایمان که یک نوع رنگ خدایی است، ما بخود گرفته‌ایم، و این بهترین رنگ است، نه رنگ یهودیت و نصرانیت، که در دین خدا تفرقه انداخته، آن را آن طور که خدا دستور داده بپا نداشته است. (وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ) بمنزله بیانی است برای (صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ)، و معنایش این است که (در حالی که ما تنها او را عبادت می‌کنیم، و چه رنگی بهتر از این؟ که رنگش بهتر از رنگ ما باشد)» [طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۷]. این که بین هدف زندگی و معنابخشی آن رابطه وجود دارد در زندگی انسان‌های بالیمان محسوس است؛ انسان با ایمان دنیا را هدف نهایی قرار نمی‌دهد. دین نیز از بشر نمی‌پذیرد که آخرت خود را به دنیا بفروشد و دنیا را هدف نهایی قرار دهد. از نظر دین دنیا محل عبور و آخرت محل استقرار است؛ علی (ع) فرمود: «انما الدنيا دار مجاز و الآخرة دار القرار» همچنین در روایتی از پیامبر اکرم نیز دنیا به عنوان گشتگاه برای زندگی آخرت انسان معرفی شده است؛ «الدنيا مزرعة الآخرة» [مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۷، ص ۳۵۳] بنابراین باید از دنیا توشه برگرفت و دل را از این دنیا خارج کرد. قرآن کریم با قرار دادن قید ایمان، حیات دنیوی را از شکل نامطلوب آن خارج کرده و نصرت الهی را با آن همراه می‌سازد، چنانکه فرمود: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر: ۵۱) در این آیات حیات دنیوی و اخروی را به دنبال هم آورده به نحوی که چنین می‌توان استفاده

کرد که حیات دنیوی مبتنی بر ایمان، سازنده حیات اخروی است. خصوصاً در آیه ۳۱ سوره فصلت این رابطه را با ظرافت بیشتری این چنین توصیف می‌کند: « نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ. ما در دنیا و آخرت یاران و دوستداران شمایم و برای شما در بهشت ابد هر چه مایل باشید یا آرزو و تقاضا کنید همه مهیاست» در مجمع البیان آمده است: « فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا): در دنیا کارمان این بود که از طرف پروردگار خیرات را بشما میرساندیم. (وَ فِي الْآخِرَةِ) مجاهد گوید: یعنی در آخرت هم از شما جدا نخواهیم شد تا شما را وارد بهشت کنیم. و از حضرت صادق (ع) روایت شده است که ما در دنیا دوستان شما هستیم و شما را حفظ می‌کنیم، و از بهنگام مردن و در آخرت نیز همراه شما هستیم. (وَ لَكُمْ فِيهَا) یعنی: در آخرت» (به نقل از مجمع البیان) با چنین رویکردی معیشت دنیوی با رحمت الهی همراه می‌شود و نه تنها از شکل نامطلوب آن خارج شده، بلکه حیات دنیوی و حیات اخروی به نحو زیبایی در هم می‌آمیزد و حیات طیبه‌ای را رقم می‌زنند. [فیروزی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹].

بنابراین دینداری، زندگی انسان را به بهترین صورت معنا بخشیده، هدفمند می‌کند و او را از پوچی و پوچ‌گرایی و وانهادگی می‌رهاند.

۲- آرامش روان

یکی از مهم‌ترین مشکلات زندگی بویژه در عصر کنونی، اضطراب و افسردگی و به عبارت عام‌تر، عدم وجود آرامش روانی و اطمینان قلبی است. به همین دلیل است که برخی از دانشمندان دوران کنونی را عصر اضطراب نامیده‌اند. آرامش روانی گمشده انسان است. از دیدگاه دین، یگانه چیزی که می‌تواند این نیاز را برآورده کند، یاد خداست. [موسوی اصل - آذربایجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱] دینداری به دلیل اتکال انسان مؤمن به خدای توانا و نیز امیدواری به پشتیبانی خدا احساس آرامش و امنیت فوق‌العاده‌ای به او می‌دهد. قرآن کریم در آیاتی به این واقعیت اشاره کرده است. از جمله در قرآن کریم بیان شده که آرامش روان، فقط در سایه توجه به خداوند امکان‌پذیر است. «... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. ... آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دلهاست» (رعد: ۲۸) علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌فرماید:

«اطمینان به معنای سکون و آرامش است، و اطمینان به چیزی به این است که آدمی با آن دلگرم و خاطر جمع شود» [طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۸۳].

آنچه در آیه ۱۲۴ سوره طه، « وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. وَ هَر كَسٍ مِنْ يَادِ مَنْ أَعْرَضَ كُنْدَ هَمَانَا (در دنیا) معیشتش تنگ شود و روز قیامتش نابینا محسور کنیم» زندگی سخت و پر فشار خوانده می شود ناشی از عدم ایمان به خدا و فراموشی اوست. نشاط و آسودگی خاطر، خوشبینی و امیدواری که لازمه آرامش روانی است در پرتو دینداری قابل احراز است. زندگی در سایه دین انسان را از تنگناها می رهاند و به او آرامش خاطر می دهد. همینطور در آیه ۴ سوره فتح، آرامش روحی و روانی به صراحت به خداوند نسبت داده می شود: « هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْهِبُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ... اوست خدایی که سکینت و وقار بر دل‌های مؤمنان آورد تا بر یقین و ایمانشان بیفزاید...» در سوره عصر آیات ۱ و ۲ نیز به آرامش برخاسته از ایمان به خدا اشاره شده است: « إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» در این آیات، صرف اعمار در مطالب ناپایدار و سعی در مقاصد بی اعتبار، زیانکاری انسان معرفی شده است. زیرا هر روز که بر انسان میگذرد از سرمایه عمر چیزی کم می شود و در عمر رفته ذخیره آخرت که طاعت و عبادات است نیندوخته است. می توان گفت این خسران سبب اضطراب و افسوس برای از دست رفتن عمر می شود. اما مؤمنانی که به خدا و رسول گرویده اند و کارهای پسندیده انجام داده اند و همدیگر را به امر درست از اعتقاد و نیز به شکیبایی در برابر مصیبت وصیت می کنند، بدلیل این که با عمر خود اکتساب درجه‌ای از درجات جنت کرده‌اند سود می برند. [کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱۰، صص ۳۴۰ و ۳۳۹] و همیشه در آرامش بدست آمده از این سود به سر می برند. همچنین در روایات معصومین به نقش دینداری در ایجاد آرامش روحی و روانی تصریح شده است. امام علی (ع) در این زمینه می فرماید: «ذکر الله جلاء الصدور و طمأنينة القلوب. یاد خدا جلای سینه‌ها و آرام دلهاست» [خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۹] و در جای دیگر می فرماید: « ذکر الله دواء اعلال النفوس. یاد خدا دواي بیماریهای نفسهاست» [خوانساری، همان، ج ۴، ص ۳۰]

بنابراین دینداری، سبب آرامش روان و رهایی انسان مؤمن از هر گونه دغدغه و اضطراب می شود. ایمان و اعتقاد به خداوند، عوامل اضطراب را ریشه کن می کند و روح آشفته را آرامش می بخشد.

۳- سلامت بدن

از دیگر کارکردهای دینداری در زندگی فردی، سلامت جسمی افراد دیندار است. هارولد جی. کونینگ^۱ می‌نویسد: «تدین می‌تواند مستقیماً از طریق دو ساز و کار عمده بر سلامت اثر مثبت بگذارد. این دو ساز و کار عبارتند از: ۱- تشخیص زودتر و بهتر بیماری‌های بدنی؛ ۲- کاهش برخی رفتارهای جسمانی که به طریق فیزیکی بر سلامت اثر می‌گذارند... نخستین ساز و کار مستقیمی که ممکن است دین بوسیله آن سلامت را بهبود بخشد و عمر را طولانی کند، تشخیص سریع بیماری و تعقیب معالجه کافی است. آموزش‌های دینی، بر احترام به سلامت جسمانی شخص تأکید دارند. افراد متدین ممکن است توجه بیشتری به سلامت جسمانی خود بکنند» [کونینگ، ترجمه بتول نجفی، ۱۳۸۰: ۱۱] در قرآن کریم دستورات پزشکی جهت سلامت جسمی دینداران ارائه شده است: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا. بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید» (اعراف: ۳۱) «برخی گویند: معنای «لَا تُسْرِفُوا» این است که در خوردن و نوشیدن از حد میانه روی خارج نشوید. نقل شده است که هارون را طیبی مسیحی بود. روزی وی به علی بن حسین واقد گفت: در کتاب شما از علم طب چیزی نیست، در حالی که علم دو تاست: علم پزشکی و علم ادیان. وی در جواب گفت: خداوند تمام پزشکی را در نصف آیه، جمع کرده، می‌فرماید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» و پیامبر ما تمام پزشکی را در يك جمله، خلاصه کرده، فرمود: المعدة بيت كل الداء والحمية رأس كل دواء و اعط كل بدن ما عودته. یعنی: شکم خانه هر بیماری و پرهیز اصل هر داروست و بدن را از آنچه بدان معتاد کرده‌ای محروم مگردان. طیب گفت، قرآن و پیامبر شما از پزشکی برای جالینوس چیزی باقی نگذاشته‌اند» [طبرسی، ۱۳۷۲، ۹ ج، ص ۱۸۸].

امام علی(ع) در حدیثی تقوا را شفای بیماری جسم معرفی می‌کند: « فان تقوي الله... شفاء مرض اجسادکم. پرهیزگاری... شفای بیماری جسم شماست» [جعفری، ۱۳۸۰، ص ۱۷۷]. در روایتی هم آمده است که پزشکی مسیحی از امام صادق(ع) پرسید: آیا در قرآن یا سنت پیامبر شما چیزی از پزشکی

۱- هارولد جی کونینگ، متخصص روانشناسی از دانشگاه دوک امریکا، به یک نتیجه علمی و عینی در زمینه رابطه دین در سلامت جسم و روان دست یافته است.

وجود دارد؟ امام فرمود اما در قرآن، این آیه که: بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید» (اعراف: ۳) و اما در سنت پیامبر و روایات ایشان، این کلام که: پرخوری سر سلسله همه بیماریها و خودداری از پرخوری ریشه همه درمانها و دواهاست [خوبی، بی‌تا، ج ۱۲، صص ۲۷۵-۲۷۶].

بنابراین التزام به آموزه‌ها و تعالیم الهی و اعمال آن‌ها در زندگی انسان دیندار و دین باور علاوه بر تأمین سلامت و آرامش روان به سلامت جسم نیز می‌انجامد.

۴- پرورش فضایل اخلاقی

انسان دیندار زیر بنای همه اصول اخلاقی و مشروعیت آن را دین و ایمان به خداوند یکتا می‌داند. دین به تعبیر استاد مطهری، بهترین پشتوانه اصول و مکارم اخلاقی و مطمئن‌ترین راه و روش اجرایی شدن آن است. زیربنای همه اصول اخلاقی و مشروعیت و ضمانت اجرایی آن، ایمان و اعتقاد به خداست. [ر.ک مطهری، ۱۳۵۸، ص ۱۸۹] دیندار با معرفت به صفای الهی فضایل اخلاقی را به صورت غیر واقعی می‌شناسد و این فضایل را در وجود انسان کامل مشاهده می‌کند و اگر سخن از این قاعده اخلاقی است که آنچه بر خود نمی‌پسندی، بر دیگران می‌پسند، این قاعده را معلول آن شناخت و شهود تلقی می‌کند و فاعل اخلاقی در حالی که می‌کوشد با تأسی به انسان کامل هرچه خود را به صفای الهی نزدیک سازد خود خواهی از وجودش رخت بر می‌بندد، تنها خدا و رضای او را می‌طلبد، و در این حال است که وجودش به عنوان یک وابستگی به کمال مطلق بر تمام آثار وجودی خداوند عشق می‌ورزد و آنچه بر خود نمی‌پسندد؛ بر دیگران نمی‌پسندد [صانع پور، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳].

قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را که نمونه دیندار واقعی است، الگویی کامل انسان متخلق به فضایل الهی معرفی می‌کند و خطاب به ایشان می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۲) «خداوند خلق آن حضرت را بزرگ شمرد چرا که آن حضرت کارهای رنج آور قوم خود را که قوه تحمل آن نیست تحمل کرد و در مخالفتش با آن‌ها روش نیکو داشت و با آن‌ها مدارا می‌کرد». [زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۸۵] بنابراین پیامبر با تمام خصوصیات و صفات اخلاقی، فضایل اخلاقی را به عنوان مظهر صفات خداوند در منصف ظهور گذارده است» [طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۶۱۹].

علاوه بر این، فردی که به آیات قرآن اعتقاد دارد، اعتقاد و ایمان همراه با التزام به آن، سبب پرورش فضایل اخلاقی در وی می‌شود. به عنوان نمونه قرآن کریم همه عزت نفس را منحصر در خدای

سبحان کرده و می‌فرماید: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (یونس: ۶۵) یا اینکه نیرو را منحصر به خداوند کرده و فرموده: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (بقره: ۱۶۵) معلوم است کسی که به این کلمات حق آیات قرآنی ایمان دارد، دیگر دردلش جایی برای ریا و ترس از غیر خدا و امید به غیر خدا باقی نمی‌ماند و این دو قضیه دل او را به زیور صفاتی از فضایل در مقابل آن رذایل می‌آراید. [منفرد، ۱۳۷۳، ج ۲۳۶]

بنابراین انسان دین ورز با انگیزه تقرب به خداوند و تبعیت از اخلاق اولیاء الهی و احکام شرعی، عمل خود را از هر گونه رذیلتی می‌زداید و به آن ارزش اخلاقی می‌دهد.

۵- صبوری در برابر مشکلات (صبر در مصایب)

صبر به معنی تسلط بر خویش برای تصمیم بهتر گرفتن است. [مروّتی، ۱۳۸۱، ج ۱۴۶] با تکیه بر خداوند است که صبر در طاعت و استقامت در حق میسر می‌شود و کاستی‌ها و دشواری‌هایی که نتیجه عمل به حق است، بر زیادی‌ها و راحتی‌های ظاهری که نتیجه عمل به باطل است برتری می‌یابد. [دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹۸۷] در سوره بقره آیه ۱۵۶-۱۵۵ به این مطلب که صبر نتیجه ایمان به خداست تصریح شده است: «... وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. ... و صابران را بشارت و مژده بده. آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند (صبوری پیش گرفته و) کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم» در تفسیر آیه بیان شده است که: «صبر در برابر مصیبت‌ها نتیجه ایمان به مالکیت مطلق خداوند بر تمام هستی است. و مصیبت عبارت است از هر واقعه‌ای که آدمی با آن روبرو شود، و لکن جز در وقایع مکروه و ناراحت کننده استعمال نمی‌شود، مراد به گفتن (انا لله) الخ، این است که باید به حقیقت معنایش ایمان داشت به اینکه آدمی مملوک خداست و مالکیت خدا به حقیقت ملک است، و این که دوباره بازگشتش به سوی مالکش می‌باشد اینجاست که بهترین صبر تحقق پیدا می‌کند» [طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۳۱].

در روایات معصومین نیز به این موضوع تصریح شده است؛ پیامبر اکرم (ص) فرمود: «صبورا علی من اساء الیه.. صبورا فی الشدائد. مؤمن در مقابل کسی که به او بدی کرده است بردبار و صبور... و در سختی‌ها و شداید شکیباست» [مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۴، ص ۳۱۱] امام باقر (ع) نیز فرمود: «لَا

يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا. بنده‌ای حقیقت ایمان را به کمال نرساند تا در او سه خصلت باشد؛ مسئله دانی و فهم مسائل دینی، خوب اندازه گرفتن زندگانی و صبر در مصائب و پیشامدهای بد» [مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۳۰۰].

امام علی در روایتی صبر را از گنج‌های ایمان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «مَنْ كُنُوزِ الْإِيمَانِ الصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ. صبر بر مصائب از گنج‌های ایمان است» [جنتی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۴] همچنین ارتباط تنگاتنگ بین ایمان و صبر و شکیبایی در کلام امیر المومنین چنین آمده است: «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ. و بر شما باد صبر، که صبر نسبت به ایمان، مانند سر است نسبت به بدن» [شهیدی، ۱۳۷۳، ص ۳۷۳، ح ۸۲].

بنابراین از کارکردهای دینداری این است که انسان دارای روح مقاوم و شکست‌ناپذیر می‌شود که همچون کوهی استوار و پایدار در برابر مشکلات زندگی می‌ایستد و در پرتو ایمان، صبر و پایداری را در خود می‌پروراند.

۶- احساس تنهایی نکردن

از دیگر کارکردهای نیکوی دینداری، احساس تنهایی نکردن به دلیل پیوند با مبدأ هستی است. در شرایطی که آدمی احساس تنهایی می‌کند، اعتقاد به خدایی که در دانش و توانایی بی‌همتاست، وی را از گرداب تنهایی می‌رهاند و خلوت با پروردگار یکتا را بهترین لحظه‌ها می‌گرداند. احساس تنهایی در ۴ ساخت مختلف زیر تصور می‌شود و ممکن است يك یا چند نوع آن دامنگیر انسان شود:

۱- تنهایی فیزیکی، یعنی انسان در محیطی قرار می‌گیرد که کسی با او نیست. ۲- دیگران او را درک نمی‌کنند؛ یعنی گرچه در میان جمع است، ولی بیگانه از آنان است. چون آنها موقعیت او را درک نمی‌کنند و از شایستگی‌ها و منویات او بهره نمی‌گیرند. از این رو احساس تنهایی می‌کند. ۳- انسان‌های دیگر نمی‌توانند کاستی‌ها و ضعف‌های او را جبران و خواسته‌های او را برآورده سازند. این موجب احساس تنهایی در شخص می‌شود. ۴- ممکن است دیگران او را درک کنند و در صدد رفع مشکلات و برآوردن نیازهای او باشند، ولی هر کاری که در راستای حل مشکل او انجام می‌دهند، روحیه حب نفس و حب الذات آنها موجب می‌شود که عملاً در صدد جلب منفعت و رفع ضرر از خود باشند و

انگیزه خودبینی و منفعت طلبی بر کارهای آن‌ها حاکم باشد و الا نمی‌توانند احساس تنهایی فرد را پاسخ گویند. [جوادی آملی، ۱۳۸۰، صص ۴۶-۴۷] در این مواقع دین با اذعان به خدای قادر و خیر خواه، ساحت‌های مختلف تنهایی را پاسخ می‌دهد. زیرا خداوند آن قدر به ما نزدیک است که از روان ناخودآگاه ما نیز باخبر است. در تفسیر آیه ۱۶ سوره ق مسأله نزدیکی خدا به انسان این گونه بیان گردیده است: «ارتباط خدای سبحان با بند بندگانش مستقیم، غیبی و نامرئی است؛ زیرا «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ. ما از رگ گردن او به او نزدیک‌تریم» است. [جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۱۸] «کلمه ورید به هر معنا که باشد در آیه شریفه آن را طناب خوانده، چون شبیه به طناب است. و معنای جمله این است که: ما به انسان از رگ وریدش که در تمامی اعضایش دویده و در داخل هیكلش جا گرفته نزدیک‌تریم، آن وقت چگونه به او و به آنچه در دل او می‌گذرد آگاه نیستیم؟ این جمله می‌خواهد مقصود را با عبارتی ساده و همه کس فهم اداء کرده باشد و گر نه مسأله نزدیکی خدا به انسان مهم‌تر از این و خدای سبحان بزرگتر از آن است، برای اینکه خدای تعالی کسی است که نفس آدمی را آفریده و آثاری برای آن قرار داده، پس خدای تعالی بین نفس آدمی و خود نفس، و بین نفس آدمی و آثار و افعالش واسطه است، پس خدا از هر جهتی حتی از خود انسان به انسان نزدیکتر است» [طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، صص ۵۱۹-۵۲۰].

بنابراین تنها دین و ایمان حقیقی است که موجب می‌شود انسان هرگز احساس تنهایی نکند، از آن جایی که انسان به خدایی ایمان و باور دارد که می‌فرماید: «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ. هر کجا باشید او با شماست» (حدید: ۴) و «أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ خدا میان آدمی و قلبش حایل است» (انفال: ۲۴).

۷- دلیری و شجاعت در برخورد با دیگران

از دیگر کارکردهای دینداری و نقش سازنده آن، دلیری پروری و قدرت بخشیدن به افراد در برخورد با دیگران است. انسان دیندار مهم‌ترین تأثیری که از دین می‌گیرد، شجاعت در مقابل غیرخدا و تکیه بر قدرت خداست. بدین سبب اگر در نبرد مؤمن با تمام دنیا وی تنها باشد نه تنها نمی‌ترسد بلکه بر ایمان وی افزوده می‌شود: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران: ۱۷۳) «در مقابل عوامل تبلیغاتی دشمن و برخی از مردمان ساده اندیش و ترسو، که به رزمندگان و مجاهدان تلقین و نصیحت می‌کنند که دشمن قوی است و کسی نمی‌تواند حریف آنان بشود، پس بهتر است درگیر جنگ نشوید، مسلمانان واقعی، بدون هیچ ترس و هراسی، با توکل به خداوند، به آنان پاسخ می‌گویند» [قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۰۱] با دقت در آیه بدست می‌آید که یکی از انتظارات اساسی که از تأثیر دین‌داری بر افراد می‌رود انتظار دلیری در برخورد با دیگران و کمک خدا را کافی دانستن، می‌باشد. امام علی(ع) که نمونه کامل دینداری پس از پیامبر اکرم(ص) می‌باشد شجاعت خود را بدان پایه می‌داند که معتقد است: اگر تمام عرب به جنگ با ایشان به پا خیزند به آنان پشت نخواهد کرد؛ «وَاللَّهِ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَيَّ قِتَالِي لَمَا وُلِّيْتُ عَنْهَا» [نهج البلاغه، نامه ۴۵] در فرازی دیگر از نهج البلاغه امام علی(ع)، شجاعت خود را چنین ترسیم می‌کند: «و سوگند به خدا اگر من به تنهایی در حالی با آنان روبرو شوم که تمام زمین را لبریز کرده باشند، باکی نخواهم داشت و وحشتی به خود راه نخواهم داد» [همان، نامه ۶۲] بدیهی است که چنین شجاعتی در سایه ایمان و توکل به خدا برای آن حضرت حاصل شده است.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت بدست می‌آید که؛ مجموع تعالیم عقیدتی، اخلاقی و دستور العمل‌هایی که خداوند به وسیله رسولان، برای هدایت بشر فرستاده دین نامیده می‌شود و دیندار کسی است که واجد همه این‌ها باشد و به آنها گردن نهد. تعالیم دینی را بشناسد، به آموزه‌های عملی آنها پایبند باشد و به آنها عمل کند. اگر کسی بخواهد واقعاً دیندار باشد، باید به این سه که مقتضای دینداری است عمل کند. آثار دینداری نیز که همه ساحت‌های زندگی انسان دیندار و جوامع دین‌ورز را تحت پوشش قرار می‌دهد، در زندگی فردی کارکرد ویژه‌ای دارند. دینداری داروی شفا بخشی آدمی از غم و اندوه و ایجاد شادابی و نشاط در زندگی اوست، دینداری زندگی انسان را هدفمند می‌کند و پوچی و پوچ‌گرایی را از انسان می‌زداید و راه رشد و تعالی روحی و معنوی را برایش فراخ می‌سازد. انسان دیندار دارای روح مقاوم و شکست‌ناپذیر می‌شود که همچون کوهی استوار و پایدار در برابر مشکلات زندگی می‌ایستد و در صحنه‌های دشوار زندگی به عنایت الهی امیدوار بوده، در پرتو ایمان، صبر و پایداری را در خود می‌پروراند و با توکل و اعتماد خود را از بن بست‌ها نجات می‌بخشد.

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای.
- ۲- ابن فارس، احمد، ۱۴۲۲، مقایس اللغة، ج ۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۳- آذربایجانی-موسوی اصل، مسعود-سید مهدی، ۱۳۸۵، درآمدی بر روانشناسی دین، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۴- آمدی، عبدالواحد تمیمی، ۱۳۷۳، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، شرح: محمد خوانساری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- جعفری (علامه)، محمد تقی، ترجمه نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- جنتی، احمد، ۱۳۸۲، تحف العقول، ترجمه جنتی، تهران: مؤسسه امیر کبیر.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، شریعت در آینه معرفت، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۸- -----، ۱۳۸۰، انتظار بشر از دین، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۹- -----، ۱۳۸۱، تفسیر تسنیم، ج ۴، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۱۰- خوانساری، جمال الدین محمد، ۱۳۶۶، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۳-۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- حسن منفرد، حسن، ۱۳۷۳، تعلیم و تعلم اخلاق اسلامی، تهران: انتشارات جمهوری.
- ۱۲- خوبی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تصحیح و تهذیب: ابراهیم المیانجی، تهران: مکتبه الاسلامیه، بی تا.
- ۱۳- دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۳، سیره نبوی (منطق عملی)، تهران: دریا.
- ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۹۲، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالکتب العربی، چاپ و صحافی قم: اسماعیلیان.
- ۱۵- زمخشری، محمود، ۱۴۰۷، تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
- ۱۶- شهیدی، سید جعفر، ۱۳۷۸، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- ۱۷- صانع پور، مریم، ۱۳۸۲، فلسفه اخلاق و دین، تهران: آفتاب توسعه.
- ۱۸- طباطبایی (علامه)، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، تفسیرالمیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲-۱۱-۹-
۱۲-۱۸-۱۹-۲۰، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: بنیاد علمی و فکری علامه
طباطبایی.
- ۱۹- -----، ۱۳۶۱، آموزش دین، جمع آوری: سید مهدی آیت
اللهی، قم: انتشارات اسلامی.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰، ج ۶-۱۰-۲۷، تهران:
ناصرخسرو.
- ۲۱- طریحی، فخر الدین، ۱۳۶۲، مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- ۲۲- عبده، شیخ محمد، ۱۳۴۲، تفسیر المنار، ج ۹، تألیف السید محمد رشید رضا، بیروت: دار
المعرفه.
- ۲۳- عسکری سلیمانی امیری، ۱۳۸۲، پوچی پوچی (نقدی بر مقاله پوچی)، فصلنامه نقد و نظر، سال
هشتم، شماره سوم و چهارم، ص ۲-۴۳.
- ۲۴- -----، ۱۳۸۲، خدا و معنای زندگی، فصلنامه نقد و نظر، سال
هشتم، شماره سوم و چهارم، ص ۹۵-۱۴۴.
- ۲۵- فیروزی، رضا، ۱۳۸۶، نظریه ایمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۲۶- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
- ۲۷- کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۳۶، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۱۰، تهران:
کتابفروشی محمد حسن علمی.
- ۲۸- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، الکافی، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامیة.
- ۲۹- کونینگ، هارولد جی، ۱۳۸۰، آیا دین برای سلامتی شما سودمند است؟، ترجمه بتول نجفی،
تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۳۰- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴، بحار الانوار، ج ۱-۵۸-۶۷-۶۸-۷۱-۷۴، بیروت: دار التراث الاحیا
العربی.

- ۳۱- مروتی، سهراب، ۱۳۸۱، تکامل انسان در آینه اخلاق، ایلام: گویش.
- ۳۲- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، بیست گفتار، قم-تهران: صدرا.
- ۳۳- -----، ۱۳۸۱، خاتمیت، تهران: صدرا.
- ۳۴- نرم افزار جامع التفاسیر نور-گنجینه روایات نور- منهج النور، قم: مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری.